

هویت صنفی دانشجوی ، ابعاد و شاخص ها

حمید رضا فاتحی^۱

چکیده :

انسان سه گونه هویت دارد : هویت شخصی ، صنفی و باطنی . هویت صنفی ، هویت شغلی و اجتماعی است و نشان دهنده شخصیت فکری و شأن انسان در ابعاد مختلف اجتماعی است . این هویت ، در دو مفهوم ، هویت اجتماعی بالقوه (آنچه که یک شخص باید باشد) و هویت اجتماعی بالفعل (آنچه که یک شخص واقعا هست) به کار می رود . در جستجوی شکل گیری هویت دانشجویی دو بینش وجود دارد ، جبرگرایانه و کنش گرایانه . الگوی کنونی دانشگاه کنش متقابل است . دانشجوی اگر چه تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی ساختار دانشگاه است، ولی می تواند نقش خود را با علاقه و اشتیاق یا تنفر و اکراه ایفا کند ؛ به نقش خود ایمان داشته باشد یا با فاصله آن را ادامه دهد و یا به طور ناگهانی صحنه را ترک گوید . برای هویت صنفی بالقوه دانشجوی ، سه بعد کلی مطرح است که هر کدام شاخص ها و نشانه گره های خاصی دارند : علم و معرفت (معرفت دینی ، تفکر و شکوفایی روحیه حقیقت جویی ، فرهنگ مطالعه ، ارتقای معرفت و نو خواهی علمی) ، اخلاق و معنویت (خود سازی معنوی ، انتخاب الگو ، رعایت آداب معاشرت) ، تدبیر و سیاست (بینش سیاسی ، تکلیف شناسی ، دشمن شناسی ، مشارکت سیاسی) . یادگیری نقش ها و هنجارهایی که نقش ها را بیان می کنند از طریق جامعه پذیری است و پاسخ دانشجویان به دانشگاه برای اجرای نقش های مورد انتظار ممکن است متابعت ، همانند سازی و یا درونی کردن باشد . متابعت ضعیف ترین و درونی کردن قوی ترین سطح جامعه پذیری است ؛ لذا الگوهای علمی و فرهنگی بنیانی که از سوی دانشگاه ارائه می شود، باید طوری باشد که دانشجویان آنها را پذیرفته و درونی کند .

کلید واژه ها : هویت باطنی ، هویت صنفی دانشجوی ، قلمروهای هویت ، ابعاد هویت دانشجویی ،
جامعه پذیری

مقدمه

دانشگاه یک سیستم است. یکی از ارکان مهم درونداد و برونداد این سیستم، دانشجو است. شناخت خصلت‌ها و ویژگی‌های دانشجو که معرف رفتار او است و در این تحقیق به هویت صنفی دانشجو تعبیر شده، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا هویت صنفی به انسان شخصیت صنفی می‌دهد. انسانی که شخصیت صنفی خویش را بشناسد، می‌تواند بر پایه موضع صنفی؛ خود را بسازد، بر اساس آن کار کند و دست به اقدام لازم بزند، از موقعیت و ارزش‌های آن در داخل و خارج دفاع کند، هدف صنف را بر پایه ای منطقی تحقق بخشد و به تصفیه همه جانبه صنف بپردازد.

هویت، خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که معرف اندیشه و رفتار فرد است. گافمن برای هویت اجتماعی دو مفهوم به کار برده است، هویت اجتماعی بالقوه (آنچه که یک شخص باید باشد) و هویت اجتماعی بالفعل (آنچه که یک شخص واقعا هست). (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۹۳)

هویت اجتماعی بالقوه، الگوهای رفتاری مورد انتظار یک جامعه را معرفی می‌کند که بدان نقش محول نیز گفته می‌شود. نقش محول، الگوهای رفتاری مورد انتظار را برای فردی که پایگاه معینی دارد، مشخص می‌سازد. برخی نقش‌های اجتماعی به صورت دقیق تعریف شده و مقتضیات رفتاری مفصل و دقیقی دارند و تابع تعبیر و تفسیر فردی نیستند، زیرا باید همه کسانی که به آن مشاغل می‌پردازند و همان موقعیت را اشغال کرده‌اند، به شیوه معینی آن را انجام دهند. نقش‌های خاص دانشجویان دانشگاه دارای سازمان و قالب کاملاً خاصی است. (کوئن، ۱۳۷۸: ۹۶)

وقتی جایگاه و ابعاد هویت دانشجویی به صورت شفاف و روشن تبیین شود؛ هر فردی که در چنین جایگاهی قرار گیرد، سعی خواهد نمود که این جایگاه و ویژگی‌ها را رعایت کند؛ زیرا به هر اندازه که شرایط یک دانشجوی واقعی به لحاظ نظری دانسته شود، افراد بدون صلاحیت بهتر شناخته خواهند شد. سؤال اساسی در این تحقیق این است که خصلت‌ها و الگوهای رفتاری هویت دانشجویی در جامعه ما کدام است؟ دانشجو و دانشگاه تا چه اندازه می‌توانند در تحقق آن‌ها نقش داشته باشند؟

تا کنون پژوهش‌های متعدد کتابخانه‌ای و میدانی درباره هر یک از مسائل دانشجویان به صورت جداگانه انجام شده است، ولی در این تحقیق سعی می‌شود هویت صنفی دانشجو که مورد انتظار است، از ابعاد مختلف بررسی گردد. امید است این تحقیق زمینه نظری مناسبی را برای پژوهش‌های میدانی فراهم کند.

بیان مسأله

انسان سه گونه هویت دارد: هویت شخصی، صنفی و باطنی (حکیمی، ۱۳۶۱: ۱۵). بلوغ انسانی (در برابر بلوغ جنسی و حیوانی) به شناختن سه هویت یاد شده است. انسان هر چند کتاب بخواند، مقامات علمی

اجتماعی، دانشگاهی و تخصصی را طی کند، ولی خود را در این سه بعد، بویژه بعد سوم، نشناسد، نابالغ از دنیا می‌رود. اینک این سه هویت، به اختصار بیان می‌شود.

هویت شخصی

این هویت، خصوصیات شخصی و فردی را از جهات بدنی بیان می‌کند. به عبارت دیگر، نشان دهنده شخص انسان و عوامل پدید آورنده وجود مادی اوست. (حکیمی، ۱۳۶۱: ۱۵)

هویت صنفی

هویت صنفی، هویت شغلی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، نشان دهنده شخصیت فکری و شأن انسان در ابعاد مختلف اجتماعی است. با آگاهی از این هویت انسان می‌تواند منشأ فکر و رفتار فرد را بشناسد. (حکیمی، ۱۳۶۱: ۱۵)

هویت باطنی

این هویت مربوط به جنبه خویشتن واقعی انسان است. به عبارت دیگر، این هویت مربوط به روح انسان و توسعه وجودی و تقرب به سوی خدا است. (حکیمی، ۱۳۶۱: ۱۵)

انسان با همه وجوه مشترکی که با جاندارهای دیگر دارد، یک سلسله تفاوت‌های اصیل و عمیق با آنان دارد، که هر یک از آنها بعدی جداگانه به او می‌بخشد و رشته‌ای جداگانه در یافت هستی او به شمار می‌رود. این تفاوت‌ها در سه ناحیه است: ناحیه ادراک و کشف خود و جهان، ناحیه جاذبه‌هایی که بر انسان احاطه دارد و ناحیه کیفیت قرار گرفتن تحت تاثیر جاذبه‌ها و انتخاب آنها. (مطهری، ۱۳۶۵: ۲۵۵)

در مورد اول، در انسان نیرویی وجود دارد که در سایر جانداران وجود ندارد و آن نیروی مرموز تعقل است. انسان با نیروی تعقل، قوانین کلی جهان را کشف می‌کند و بر اساس شناخت کلی جهان و کشف قوانین کلی طبیعت را استخدام می‌کند و در اختیار خویش قرار می‌دهد. انسان با این نوع شناخت، بسیاری از حقایق را که مستقیماً از راه حواس با آنها تماس ندارد، کشف می‌کند.

اما در ناحیه جاذبه‌ها و کیفیت قرار گرفتن تحت تاثیر جاذبه‌ها و انتخاب آنها، در انسان یک سلسله جاذبه‌های معنوی وجود دارد که در سایر جاندارها وجود ندارد، این جاذبه‌ها به انسان امکان می‌دهد که دایره فعالیتش را از حدود مادیات توسعه دهد و تا افق عالی معنویات بکشد، ولی سایر جانداران از زندان مادیات نمی‌توانند خارج شوند. یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود آدمی حس نیایش و پرستش است. پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند، بلکه نوع پرستش را یعنی

آداب و اعمالی که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر این که از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند.

ویلیام جیمز درباره عمومی بودن این حس در همه افراد چنین می‌گوید: احتمال دارد که مردمان از لحاظ درجه تاثیر پذیری از احساس یک ناظر درونی در وجودشان اختلاف داشته باشند..... ولی اطمینان دارم که حتی آن کسانی هم که می‌گویند که بکلی فاقد آنند، خود را فریب می‌دهند و حقیقتاً تا حدی دیندارند. دیگر از آن جهت که انسان به نیروی عقل و اراده مجهز است، قادر است در مقابل میل‌ها مقاومت کند و ایستادگی نماید و خود را از تحت تاثیر نفوذ جبری آن‌ها آزاد نماید و بر همه میل‌ها حکومت کند. انسان می‌تواند همه میل‌ها را تحت فرمان عقل در آورد و برای آن‌ها جیره بندی کند و به هیچ میلی بیش از میزان تعیین شده ندهد. بدین وسیله آزادی معنوی که با ارزش‌ترین نوع آزادی است، کسب نماید. (مطهری، ۱۳۶۵: ۲۵۵)

مبانی نظری

گافمن دو مفهوم هویت اجتماعی بالقوه (آنچه که یک شخص باید باشد) و هویت اجتماعی بالفعل (آنچه که یک شخص واقعا هست) و فاصله میان این دو مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر وی هر کسی که فاصله ای میان این دو هویتش باشد، داغ خورده است. داغ بی اعتبار شدگی؛ بازیگر فرض را این می‌گیرد که حضار تفاوت‌ها را می‌دانند و یا این تفاوت‌ها برایشان آشکار است. کسی که از داغ بی اعتبار شدگی رنج می‌برد، مساله بنیادی نمایشی اش، تخفیف تنش ناشی از این واقعیت است که دیگران تغییر را می‌دانند. داغ احتمال بی اعتباری؛ حضار تفاوت‌ها را نمی‌دانند و نه می‌توانند تصورش را بکنند. در این صورت فردی که دچار چنین داغی است، مساله نمایشی اش سرنگه داری است تا قضیه اش برای حضار همچنان نا شناخته باقی بماند. اگر نقش‌ها پیوسته چنان صریح و روشن تعریف شده بودند که رفتار صاحبان نقش یا به اصطلاح جامعه شناسی بازیگران اجتماعی را بتوان بلافاصله از آن استنتاج کرد، کار جامعه شناسی که به تحلیل نظام نقش‌ها می‌پردازد، با کار تاریخ شناسی حقوق یکسان بود. اما نقش‌ها هرگز در واقعیت، با چنان درجه ای از صراحت و دقت تعریف نشده اند که جایی برای هیچ گونه تعبیر و تفسیر باقی نگذاشته باشد (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۹۳).

قلمروهای هویت دانشجویی

اروین گافمن در نظریه نمایش خود به سه قلمرو اشاره می‌کند: جلوی صحنه، پشت صحنه و قلمرو باقی مانده. وی در رابطه با جلوی صحنه می‌گوید: جلوی صحنه، آن بخشی از اجرای نقش است که معمولاً به صورتی ثابت و عمومی اجراء می‌شود تا موقعیت را برای کسانی که نمایش را می‌بینند، مشخص کند. وی میان محیط و نمای شخصی تمایز قایل است؛ محیط به آن صحنه فیزیکی اطلاق می‌شود که معمولاً باید آماده

باشد تا کنشگران اجرای نقش کنند. بدون این محیط، کنشگران معمولاً نمی‌توانند ایفای نقش کنند. لذا باید محیط و فضای مناسب دانشگاهی فراهم شود تا دانشجویان بتوانند نقش دانشجویی خویش را ایفا کنند. اما نمای شخصی به آن تجهیزات نمایشی اطلاق می‌شود که حضار آن‌ها را از آن اجرا کنندگان می‌داند و از آن‌ها انتظار دارند که این تجهیزات را در صحنه با خود حمل کنند. وی نمای شخصی را به قیافه و منش تقسیم می‌کند. قیافه شامل آن چیزهایی می‌شود که مقررات اجتماعی نمایشگر را به حضار نشان می‌دهد. به عنوان مثال تیپ ظاهر و نوع پوشش و وسایل همراه یک دانشجوی بخشی از نمای شخصی وی می‌باشد.

منش به حضار یاد آور می‌شود که چه نوع نقشی را باید از یک نمایشگر در یک موقعیت معین انتظار داشته باشند. طرز رفتار دانشجویی، به عنوان مثال منش عجولانه و منش صبورانه، دو نوع اجرای نقش کاملاً متفاوت را نشان می‌دهند. ما عموماً انتظار داریم که قیافه و منش با یکدیگر همخوانی داشته باشند. وی می‌گوید: جلوی صحنه‌ها، گرایش به نهادمند شدن دارند تا آن که باز نمودهای جمعی در مورد آنچه که باید در یک صحنه معین پدید آید، پدیدار گردد. حضور دانشجویان در فضای دانشگاه جلوی صحنه به شمار می‌رود، ولی وقتی که دانشگاه را ترک می‌کند، پشت صحنه است و زمانی که مشغول به یک بازی ورزشی می‌شود، خارج از صحنه است. (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۹۲)

شکل‌گیری هویت دانشجویی

در جستجوی شکل‌گیری هویت دانشجویی دو نوع جهت‌یابی کلی وجود دارد: یکی بیش‌جبری است که یا بر تأثیر عوامل انفرادی (ویژگی‌های روان‌شناختی) تأکید می‌کند و یا بر تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی، آن چنان که گویی فرد هیچ اختیاری ندارد و ناگزیر از تحمل انفعالی تأثیرات وضعیت درونی و بیرونی است. پارسونز تکیه زیادی بر تأثیر ساختار اجتماعی دارد و به جای کنش، آمیزه نقش - منزلت را به عنوان واحد بنیادی در بررسی نظام اجتماعی به کار برده است. جالب این است که این آمیزه نه جنبه‌ای از کنشگران و نه جنبه‌ای از کنش متقابل است، بلکه یک عنصر سازنده ساختاری در نظام اجتماعی، به شمار می‌آید. منزلت به یک جایگاه ساختاری در داخل نظام اجتماعی اطلاق می‌شود و نقش همان کاری است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد، موقعیتی که با توجه به اهمیت کار کردی آن برای نظام گسترده‌تر، در نظر گرفته می‌شود. کنشگر بر حسب اندیشه‌ها و اعمال در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه (دست کم بر حسب موقعیتی که در نظام اجتماعی دارد) به عنوان یک رشته منزلت‌ها و نقش‌ها تشخیص داده می‌شود (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۴).

جهت‌یابی دوم، متأثر از بیش‌کنشگرانه است، این بیش‌کنش، انقیاد انفعالی رفتارها را رد نموده، فرد را به عنوان کنشگری توانا به مداخله در وضعیت‌ها و خنثی کردن ضرورت‌های این جبر ملاحظه می‌کند.

پیتر ال برگر این گونه اظهار نظر می‌کند: الگوی کنونی ما از جامعه به هیچ وجه کنترل بازیگران در صحنه

را توسط نیروهای درونی و برونی اجتماعی انکار نمی کند. ولی با وجود این، اعلام می کند که برای بازیگران آزادی انتخاب وجود دارد، می توانند نقش خویش را با علاقه و اشتیاق یا تنفر و اکراه ایفا کنند، به نقش خویش ایمان داشته باشند و یا با فاصله و شکاف بازی را ادامه دهند یا به طور ناگهانی صحنه را ترک گویند. اگر از چنین مدلی به ساخت جامعه نگاه کنیم، در بینش جامعه شناسی تغییرات کلی داده می شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳: ۳۰۵).

برای جامعه شناس دامنه تغییر پذیری نقش ها، دو پهلویی هنجارهایی که نقش ها را تعریف می کند، خصلت ترکیب پذیری و تداخل نقش ها چهار پدیده اصلی را تشکیل می دهند. وجود این چهار پدیده در نظام نقش ها، آزادی عملی را وارد می کند که می توان از وجود یک بعد استراتژیک در این نظام سخن گفت. (بودن، ۱۳۷۰: ۷۷)

درجه دقت و ریزه کاری نهادها در تعیین عناصر یک نظام نقش ها هر اندازه بالا باشد، هرگز به آن اندازه نیست که بازیگر اجتماعی را بکلی از تمامی رخصتی که برای اختیار عمل دارد، محروم کند. حتی وجود تداخل میان نقش ها و تضاد میان هنجارهای مترتب بر نقش ها، در تجربه نشان می دهند که این اختیار عمل وجود دارد که هنجارهای متناقض را نمی توان با هم مراعات کرد. هنجارهای مترتب بر نقش ها را بازیگر اجتماعی در پی یک فرآیند یادگیری که ممکن است کم و بیش طولانی و پر زحمت و اطلاعاتی غالباً ناقص و مبهم باشد، کشف نماید (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۹۳).

نقش انسان در ساختن هویت خویش

برخی موجودات هیچ گونه نقشی در ساختن آینده خویش ندارند (جمادات). برخی دیگر نقشی در ساختن آینده خویش دارند، اما این نقش نه آگاهانه است و نه آزادانه، بلکه طبیعت نیروهای درونی آن ها را به طور نا آگاهانه برای صیانت و بقای آن ها و ساختن آینده استخدام کرده است (نباتات). برخی دیگر نقش بیشتری دارند، این نقش آگاهانه است، هر چند آزادانه نیست؛ یعنی با نوعی آگاهی از خود و محیط و تحت تاثیر جاذبه یک سلسله میل های شعوری در راه صیانت خود برای آینده می کوشند (حیوانات). ولی انسان نقش فعال تر و مؤثرتر و گسترده تر در ساختن آینده خویش دارد. نقش انسان هم آگاهانه است و هم آزادانه. یعنی انسان هم به خود و محیط خود آگاه است و هم آن که با توجه به آینده به حکم نیروی عقل و اراده می تواند آزادانه آینده خویش را به هر شکل که خود بخواهد، انتخاب کند. تمام تأسیسات تربیتی مکتب های اخلاقی و تعلیمات دینی و مذهبی برای راهنمایی انسان است که آینده خویش را چگونه بسازد و چگونه شکل دهد (مطهری، ۱۳۶۵: ۲۵۶).

قرآن کریم می فرماید: ما راه را به انسان نمودیم، تا او خود چه بخواهد و چه انتخاب نماید، از دو راه یکی را انتخاب خواهد کرد، یا راهی که نموده ایم و سپاسگزار ما خواهد بود، یا راه دیگر که راه ناسپاسی است. (سوره انسان: ۳)

ایمان انسان را می‌سازد و انسان با نیروی علم، جهان را. آنجا که علم و ایمان توأم گردند، هم انسان سامان می‌یابد و هم جهان. انسان در عین این که اختیار دارد، محدودیت‌هایی نیز دارد و در عین این که نمی‌تواند رابطه‌اش را با وراثت، محیط طبیعی، محیط اجتماعی، تاریخ و زمان به کلی قطع کند، می‌تواند تا حدود زیادی علیه این محدودیت‌ها طغیان نموده، خود را از قید حکومت این عوامل آزاد کند. با توجه به آیات و روایات شخصیت هر فرد متشکل از امور زیر است: فطرت (استعدادهای بالقوه و ذاتی در انسان که در همه انسان‌ها هست)، وراثت، محیط (طبیعی و اجتماعی) و اراده فعال و خلاق فردی (مطهری، ۱۳۶۵: ۲۵۶).

روش‌شناسی

این مقاله با تکیه بر اسناد و مدارک دینی در زمینه تعلیم و تربیت و نتایج برخی پژوهش‌های تجربی، به بررسی هویت اجتماعی بالقوه دانشجو و تعامل طرفینی وی با دانشگاه می‌پردازد. بررسی هویت اجتماعی بالفعل و فاصله میان آن با هویت اجتماعی بالقوه نیازمند تحقیقات میدانی است که هم فاصله‌های موجود میان دو هویت بررسی شود و هم راهکارهای عملی متناسب با شرایط ایجاد شده اتخاذ گردد. در این صورت، دانشگاه با شناختی که دارد می‌تواند مدیریت و نظارت صحیح و منطقی در هدایت دانشجویان به سمت نقش‌های مورد انتظار را داشته، و به صورت خودکار دروندادهای خود را پالایش کند. پس از بیان مبانی نظری، اینک به بررسی دو سؤال اصلی پژوهش می‌پردازیم.

ابعاد و شاخص‌های هویت دانشجویی

هویت دانشجویی (به تعبیر گافمن هویت بالقوه) از ابعاد مختلف قابل بررسی است، ولی سه بعدی را که از همه مهم‌تر و بیشتر مربوط به دانشگاه است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابعاد هویت دانشجویی عبارتند از: علم و معرفت، اخلاق و معنویت، تدبیر و سیاست. (شورای عالی جوانان، ۱۳۷۴) هر یک از این ابعاد، شاخص‌ها و نشانه‌گره‌هایی دارند که به اختصار بیان می‌شود.

-- علم و معرفت

واژه علم و معرفت را برگزیدیم تا شامل معرفت دینی و معرفت علمی به معنی اصطلاحی آن (علم تجربی) باشد، چون دو واژه علم و دین مقابل هم نیستند. شاخص‌های اصلی و مهم این بعد از هویت دانشجویی عبارتند از:

الف: معرفت دینی (شناخت جهان و جایگاه رفیع انسان)

هر فرد انسانی در جهت گیری فکری خویش نیازمند پاسخ‌گویی به این سوال اساسی است که جهان چگونه خلق شده، آیا هدفی دارد؟ پاسخ به این سوال که جهان‌شناسی و نگاه ما به جهان را تعیین می‌کند، زیر بنای

تمامی افکار و اعمال انسان است. دانشجو به طریق اولی نیازمند پاسخ صحیح به این سوال است و در تمامی مراحل کسب دانش و معرفت و جهت گیری علمی وی تأثیر اساسی دارد. چه پاسخ دهد یا پاسخ ندهد، نگاه خاصی به این سوال خواهد داشت. شناخت انسان و جایگاه وی در جهان خلقت و توانایی‌ها و استعدادهاى وی و آگاهی از نگاه اسلام به این مسائل از جمله نکات مهمی است که جنبه زیر بنایی برای تحقیقات علمی دانشجو دارد. از جمله نشانه گره‌های آن اهمیت دادن به دروس معارف اسلامی و پذیرفتن قرآن و دستورات دین به عنوان راه نجات دهنده و سعادت بخش است.

ب: تفکر و شکوفایی روحیه حقیقت جویی

روحیه حقیقت جویی از جمله استعدادهای فطری انسان است که اگر از ابتدای کودکی تقویت شود و سؤال‌های کودک درست پاسخ داده شود و طی دوران تعلیم و تربیت، افراد در جهت کشف مطالب سهیم شوند این روحیه شکوفاتر می‌گردد. از جمله نشانه گره‌های آن عبارتند از:

اشتیاق به امر دانستن

کسانی که در نتیجه خو گرفتن به لذت‌های حسی و دل سپردن به مطامع نفسانی از هر نوع پیشرفت روحی و معنوی بازمانده اند، نیازی به تحصیل علم احساس نمی‌کنند و اگر به دنبال تحصیل علوم می‌روند برای بر خورداری از امتیازات مادی و ظاهری آن است. امام صادق (ع) می‌فرماید: تحصیل علم در همه حال واجب است. (سادات، ۱۳۶۸: ۳۳۶)

از شرایط لازم برای رسیدن به تکامل روحی و معنوی، داشتن حال علم جویی و روحیه حقیقت جویی است. کسی که واجد چنان امتیازی است، مداوم و در همه حال به دنبال تحصیل حقایق و آشنایی با علوم و معارف جدید است. چنین شخصی از هر عامل کوچک و ناچیز نیز معنایی اخذ می‌کند و با حقیقتی آشنا می‌شود، خواه این حقیقت در زندگی مادی و ظاهری او منشا اثر و مفید فایده باشد، خواه مستقیماً به رشد فکری و معنوی او کمک کند. چنان روحیه ای لازم دانشجو بودن و روحیه حقیقت جویی در اوست. یکی از نشانه گره‌های این روحیه، پرسشگری، فعال و با نشاط بودن و پرس جو در کلاس است. احساس بی نیازی نسبت به علوم و معارف ناشی از وقفه و رکود روحی است. (سادات، ۱۳۶۸: ۳۳۵)

تعمق

دانشجو از آنچه که دیگران مسلم و بدیهی فرض می‌کنند و آنچه که دیگران مورد سوال قرار نمی‌دهند، پرسش می‌کند و عباری را که تمایلات شخصی و تعصبات جاهلانه بر چهره حقایق افشاندند، پاک می‌کند. یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت از بین بردن یا حداقل کم کردن تعصبات جاهلانه است. تعلیم و تربیت

صحیح، نیروی تعمق را در افراد زیاد می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا در ادراک حقایق تحت تاثیر تعصبات اجتماعی و فردی قرار نگیرند. (شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۴۵)

تشخیص شبهه‌ها و القاهای انحرافی

دانشجو چون در پی کسب دانش است، در برابر روحیه حقیقت‌جویی وی شبهه‌هایی مطرح می‌شود و ذهن پرسشگر او این سوال‌ها و شبهه‌ها را پیگیری می‌کند، در این صورت از جمله وظایف وی شناخت آن‌ها و پاسخ‌های مناسب است که در موارد لزوم بتواند از ارزش‌های خود دفاع کند و از پاسخ‌های صحیح و منطقی و علمی وی دیگران نیز بهره‌مند شوند.

ارتباط دادن مسائل حاضر به هدف‌های دور

ارتباط دادن مسایل روزانه به هدف‌های دور مستلزم به کار انداختن عقل و تسلط بر عواطف و مقاومت در مقابل فشار امر فوری است. یعنی شخص نباید خود را تسلیم مسئله روز کند، بلکه با کمک عقل خود و کنترل عواطف خویشتن در مقابل آن مقاومت نماید. هدف‌های دور ممکن است هیچ‌گاه تحقق پیدا نکند و فرد بدان‌ها نایل نشود، مع ذلک این هدف‌ها مثل راهنمای ثابتی در مدتی طولانی اعمال فرد را هدایت می‌کنند. همین ارتباط دادن به هدف‌های دور، دانشجو را نیز با خالق جهان ارتباط داده و توانایی‌های بلند او را در زندگی مادی و معنوی در پیش روی او نمایان می‌کند. از جمله نشانه‌های آن برنامه‌ریزی برای پیشرفت تحصیلی و مطالعه منابع مختلف جهت ارتقاء به مقاطع بالاتر است. (شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۳۹)

ج: فرهنگ مطالعه

از جمله نشانه‌گرهای آن عبارتند از:

شناخت روش مطالعه

مطالعه روشمند، دانشجو را در استفاده از فرصت و کسب علم و معرفت یاری می‌دهد و او را از خسته شدن و سردرگمی و از دست دادن اشتیاق به دانستن، محافظت می‌کند. در بسیاری موارد دانشجو پس از یک دوره تحصیل، مطالعه منظم نداشته و به جزوه درسی و امتحان پایان ترم آن هم به صورت ناقص اکتفا می‌نماید. (شورای عالی جوانان، ۱۳۷۴: ۲۱)

اغتنام فرصت

فرصت‌های به دست آمده در دوران تحصیل برای دانشجو دیگر تکرار نخواهد شد و بهره بردن از این لحظات

جهت مطالعه و بالا بردن سطح علمی خویش، اهمیت خاصی دارد. معمولاً دانشجویان پس از فراغت از تحصیل، حسرت این دوران را می‌خورند؛ بویژه اگر بخواهند ادامه تحصیل دهند و یا در رشته تخصصی خویش مشغول به کار گردند و بخواهند از یافته‌های علمی خود استفاده کنند. داشتن هدف و برنامه برای فعالیت‌های روزمره که از نشانه‌های رشد اجتماعی است، برای استفاده بهینه از فرصت به دست آمده که ممکن است خیلی‌ها آرزوی آن را داشته باشند، از اهمیت ویژه برخوردار است. در هر صورت شیطان انسان را به تاخیر انداختن امور تشویق می‌کند و حال آن که دوران دانشجویی مدت محدودی است که گاهی اوقات از دست دادن آن قابل جبران نخواهد بود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: از دست دادن فرصت، غصه آور است (دستی، ۱۳۸۹: ۶۳۲).

استفاده از سرمایه کتابخانه دانشگاه

کتابخانه‌های دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، اگر چه هنوز به سیستم‌های پیشرفته مجهز نیستند و تمامی کتب و منابع مورد نیاز را ندارند و یا دانشجو برای به دست آوردن عناوین و فهرست‌ها با مشکل روبه‌روست، ولی همین کتابخانه‌ها با تمامی نواقصی که دارند، گنجینه‌های گرانبهایی هستند که پس از دوران تحصیل کمتر امکان دسترسی بدان‌ها است. یکی از شاخص‌های فرهنگ مطالعه، مراجعه دانشجویان به کتابخانه و استفاده از کتاب‌های موجود، علاوه بر جزوه‌ها یا کتاب‌های مربوط به هر درس است.

د: ارتقای معرفت و نو خواهی علمی

از جمله نشانه‌های آن عبارتند از:

خود باوری و اعتماد به توانایی فکری خویش

انسان در عین این که نمی‌تواند رابطه اش را با وراثت، محیط طبیعی، اجتماعی و تاریخی به کلی قطع کند، ولی می‌تواند تا حدود زیادی علیه این محدودیت‌ها طغیان نموده خود را از قید حکومت آن‌ها آزاد کند. به عبارت دیگر اگر دانشجو بداند که می‌تواند مالک سرنوشت خویش باشد و بر مسائل و مشکلات فائق آید و کسب علم و معرفت به تلاش وی بستگی دارد و به این خود باوری برسد، از حداقل شرایط موجود حداکثر بهره را جهت شکوفایی استعدادهای خویش خواهد برد. دانشجو نباید صرفاً دنبال حفظ فرمول‌های از پیش تعیین شده باشد، بلکه باید هر چه را که یاد گرفتن آن با توجه به جمیع شرایط مفید و ضروری می‌بیند، از تحصیلش سر باز نزند و در برابر حقایق حالت بی‌نیازی و بی‌اعتنایی به خود نگیرد. به عبارت دیگر، به معلومات محدود و ناقص خویش بسنده نکند و همواره روح تحقیق و فراگیری را در خود زنده نگه دارد (شورای عالی جوانان، ۱۳۷۴: ۲۰).

همت بلند

بی تردید بلند نظری از رموز موفقیت انسان‌های بزرگ است. دانشمندان خستگی ناپذیر همواره در رسیدن به

مدارج اندک راضی نمی‌شوند و آینده‌ای بس بزرگ را برای خویش تصور می‌نمایند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: قدر و قیمت هر انسانی به قدر والایی همت او است. (دستی، ۱۳۸۹: ۶۱۴)

متون قرآنی و روایی، حاوی مطالبی است که بیانگر شدت اهتمام و تشویق اسلام به والا همتی، بلند نظری و نکوهش پست همتی، تنگ نظری و دون اندیشی است.

علاقه مندی به رشته تحصیلی

اگر دانشجویان با علاقه مندی قبلی به تحصیل در رشته‌ای خاص بپردازد، باعث نشاط و شادابی وی در امر یادگیری خواهد بود. در این صورت چون رشته تحصیلی برای وی یک انتخاب قبلی و آگاهانه است شوق پرسشگری و ارتقای معرفت علمی و به دست آوردن مطالب جدید در وی بیشتر خواهد بود؛ اما اگر رشته تحصیلی به دلیل ضرورت‌های کنکور باشد و انتخاب شخص آگاهانه و از روی علاقه مندی نباشد، بلکه صرفاً به دلیل ضرورت‌ها برای قبولی باشد، شادابی و نشاط نخواهد بود و تحصیل در رشته قبولی نوعی تحمیل و اجبار تلقی خواهد شد و با گذشت زمان برای گرفتن حداقل نمره، کسالت و خستگی بیشتری به سوی وی خواهد آمد. البته دانشگاه در ایجاد و حفظ علاقه مندی دانشجویان نقش موثری دارد و ممکن است معکوس عمل نماید.

تقویت بنیه عملی و پژوهشی در رشته تحصیلی

حضور فعال در کلاس درس و به دنبال منابع بیشتر بودن و مراجعه به کتابخانه می‌تواند از جمله ویژگی‌هایی باشد که بیان‌کننده نواخواهی علمی هستند. معرفی منابع متعدد در رابطه با موضوع درس، تحقیقات داوطلبانه، استفاده از کتاب‌ها و مجلات علمی موجود در کتابخانه و پرسشگری در کلاس از مطالب علمی ارائه شده، نشانه‌های خوبی از ایجاد و یا وجود روحیه پرسشگری در دانشجویان است. (شورای عالی جوانان، ۱۳۷۴: ۲۰)

— اخلاق و معنویت

منظور از اخلاق برای دانشجویان، ایجاد یک حس روحی مطبوع ولی زود گذر نیست، بلکه ایجاد ملکات نفسانی از روی بصیرت و بینش است. زندگی روحی و معنوی انسان قبل از هر چیز محتاج پیدایش بصیرت و معرفت است. تحول و انقلاب درونی که متکی بر علم و معرفت نباشد، پشتوانه قابل اعتمادی ندارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ای کمیل هیچ حرکتی نیست جز این که تو در آن نیاز مند معرفت هستی.» (سادات، ۱۳۶۸: ۲۸)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که بدون بصیرت و بینش عمل کند، همچون کسی است که در مسیر پیش نمی‌رود، از این رو هر چه بر تندی حرکت خود بیفزاید، از مقصد دورتر می‌شود.» (سادات، ۱۳۶۸: ۲۹)

شاخص‌های اصلی و مهم این بعد از هویت دانشجویی عبارتند از :

الف : خود سازی معنوی

از جمله نشانه گره‌های آن عبارتند از :

شناخت کرامت و ارزش‌های انسانی

خود واقعی انسان ، امانتی آسمانی و موهبتی الهی است که سرمایه حرکت انسان در مسیر کمال است ، به طوری که اگر انسان آن را بیازد ، در واقع همه چیز را باخته است و ارتکاب به زشتی‌ها برای او مشکلی نخواهد بود . امام هادی علیه السلام می‌فرماید : ” کسی که در نزد خود خوار شود، (احساس کرامت و شخصیت اخلاقی نکند) از شر او ایمن مباش ” . (سادات ، ۱۳۶۸ : ۱۱۹)

انسان اگر قدر و بهای خویش را بشناسد و به عظمت بی مانند آن واقف شود ، هرگز آن را به انواع آلودگی‌ها نمی‌آلاید ، بلکه از هر فرصتی برای رشد و تعالی خویش استفاده کرده ، همچون امانتی عزیز و گران از آن مراقبت می‌نماید. از امام سجاد علیه السلام سوال کردند : چه کسی با عظمت ترین انسان هاست ؟ فرمود: آن کسی که تمام دنیا را با خودش برابر نمی‌کند. در شعری که از امام صادق علیه السلام روایت شده، آمده است: من هیچ چیز را با نفس خود برابر نمی‌کنم جز پروردگارش را ، اگر بخواهم این را بدهم در برابر آن را می‌ستانم ، به آنچه بگذرد (گذرا باشد) گرچه تمام دنیا باشد ، حاضر نیستم سرمایه خود را بدهم ، من تمام ما سوی الله را با این گوهر برابر نمی‌کنم. (سادات ، ۱۳۶۸ : ۱۱۹)

اخلاص در نیت

آثار معنوی دو نوع علمی که یکی از روی اخلاص و دیگری بدون اخلاص اندوخته شود ، کاملاً متفاوت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید : « کسی که دانش و حکمت را برای خدا فرا گیرد ، بابتی به روی او گشوده نمی‌شود مگر بر خواری او نزد نفسش و بر تواضعش در میان مردم ، و بر خوفش از خدا و اجتهادش در دین افزوده می‌شود. او کسی است که از علم خود بهره مند می‌شود و کسی که علم را برای دنیا و به دست آوردن مقام و منزلت در نزد مردم و نزدیکی سلطان (قدرت سیاسی) فرا گیرد ، بابتی به روی او گشوده نمی‌شود جز این که بر بزرگی او نزد نفسش و گردن فرازیش در میان مردم و به گستاخی اش در برابر خدا و جفایش در دین افزوده می‌شود . او کسی است که از علم خود بهره ای نبرده است؛ پس روز قیامت علم او حجتی بر علیه او بوده و ندامت و خواری به سراغ او خواهد آمد .» (سادات ، ۱۳۶۸ : ۳۳۹)

بنابر این کسی که علم را فقط به خاطر مقاصد دنیوی ، مانند اخذ مدرک ، فخر و مباهات ، از قافله عقب نماندن و بدون در نظر گرفتن رضایت حق ، تحصیل نماید ، چنین فردی شایسته عنوان دانشجویی نیست.

پیوستگی علم و عمل

اسلام عملی را که از روی علم و آگاهی نباشد، مورد سرزنش قرار داده است و آن را مایه فساد معرفی کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آن که بدون علم به عمل برخیزد، بیش از آن که اصلاح کند، سبب تباهی می‌شود.» و می‌فرماید: «پناه می‌برم به خدا از علمی که سود نداشته باشد و آن علمی است که با عمل خالصانه همراه نیست.» (سادات، ۱۳۶۸: ۳۴۶)

دانشجو باید بداند که اندکی از علم، نیازمند عمل فراوان است. زیرا علمی که انسان در یک ساعت می‌آموزد، او را به عمل کردن بر طبق آن در سراسر عمر ملتزم می‌کند. اگر چه بسیاری از آنچه را انسان می‌آموزد، جزو فنون هستند که به علم شهرت پیدا کرده‌اند، مثل فن حسابداری، بازرگانی، معماری و ... ولی در عین حال کسی که به تحصیل شاخه‌ای از علوم مشغول است، با حقایق جهان هستی بیشتر آشناست و به آثار حکمت و تدبیر خداوند بیشتر پی می‌برد و به همان میزان بر مسئولیت وی افزوده می‌گردد. هر چند آنچه مورد تاکید بوده و ارتباط مستقیم با عمل انسان دارد، فراگیری علوم و معارف الهی است که یکی از وظایف دانشجویی است.

اهمیت دادن به احکام و دستورات دینی

انسان وقتی خود را مملوک خدا می‌یابد و همه شئون خود را از خدا می‌بیند و هر گونه استقلالی را از خود نفی می‌کند، خود را به تمام معنی عبد و بنده خدا می‌یابد و لازمه بندگی تابع محض بودن است. کسی که در مقام بندگی به عبادت خدا می‌پردازد، در تمام مراحل زندگی و حتی در جزئیات اعمال و رفتار نیز بر طبق رضای حق و مطابق خواست او عمل می‌کند. به عبارت دیگر آنچه موجب رضای حق است، به جا می‌آورد (واجبات) و از کلیه اعمالی که موجب ناخشنودی اوست، پرهیز می‌کند (محرمات). چون دانشجو قدم در مسیر فراگیری علم و رفتن به سوی کمال گذاشته است و از جمله ویژگی‌های جویندگان کمال، حساسیت در برابر وظایف و تکالیف است، پس باید حساسیت لازم در وجود خویش داشته باشد. مداومت و استمرار بر عبادت، انس با قرآن و دعا و ترک گناهان می‌تواند از نشانه‌های آن باشد.

ب: انتخاب الگو و اسوه

یکی از روش‌های موثر در تعلیم و تربیت و تهذیب انسان‌ها، انتخاب اسوه و الگو است. قرآن کریم می‌فرماید: «به تحقیق برای شما در زندگی رسول خدا سر مشق نیکویی است، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.» (سوره احزاب، ۲۱)

لذا دانشجو به شناخت مقام و سیره عملی انبیاء و اولیای الهی و همچنین اندیشمندان و فرزندان تاریخ نیاز دارد تا بتواند الگوهای مناسب جهت کسب علم و معرفت بویژه اخلاق و معنویت به دست آورده، و گام‌های عملی مناسب در این زمینه بردارد. هر چه دانشجو با اندیشه و سیره عملی آنان بیشتر آشنا شود، خود را در

مسیر رشد و تعالی قرار داده، هیچ وقت به آنچه دارد، راضی نمی شود و افق های دید خویش را گسترش داده و با نقد نظریه های جدید، بهتر می تواند از ظرفیت وجودی خویش بهره ببرد.

ج: رعایت آداب معاشرت و تعظیم شعائر اسلامی

اگر افراد عادی و عامی به جهت پاره ای امتیازات و امکانات مادی و یا برتری های وهمی دستخوش غرور شوند، می توان جهل آن ها را عذر آنان دانست. اما افراد آگاه و صاحبان خرد و دانش، از بابت کوچک ترین کبر و نخوتشان معذور نیستند و در پیشگاه خداوند متعال پاسخی ندارند. برای این شاخص به چند مورد نشانه اشاره می شود.

رعایت شأن و داشتن رفتار معقول و منطقی

خداوند متعال در سوره مبارکه لقمان می فرماید: «با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه که زشت ترین صداها صدای خران است». (سوره لقمان، ۱۸ و ۱۹)

دانشجو به دلیل شرکت در کاروان دانش و معرفت، جایگاه خاصی در جامعه دارد و به دلیل همین پایگاه اجتماعی، از او رفتاری متناسب با آن را طلب می کند. از جمله خطراتی که ممکن است رفتار معقول دانشجو را تغییر دهد، غرور علمی است. غرور علمی باعث مردم گریزی و دین گریزی خواهد شد. وقتی دانشجو به دانش خود مغرور شد و خودخواهی و خود بزرگ بینی بر او چیره گشت، خضوع در برابر دین خدا و مردم برای او سخت خواهد بود و نمی تواند در پیشگاه خالق، اظهار بندگی کند. این فرد در واقع ادعای ربوبیت دارد و دیگران را موظف به کرنش در برابر خویش می داند و چون به عبادت نفس خویش مشغول هست، هرگز به عبادت خالق تن نمی دهد. (سادات، ۱۳۶۸: ۳۶۰)

روح بندگی در پیشگاه خداوند متعال و خدمتگزاری به دیگران و خضوع و تواضع در برابر مردم، از جمله کمالاتی است که باید دانشجو در باطن و رفتار خود پیاده کند. دانشجو به این نکته توجه دارد که بین ظاهر رفتار فرد با اندیشه و نیت باطنی وی ارتباط عمیقی وجود دارد و سعی می کند ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده عموم جامعه را در رفتار خویش رعایت نماید. لذا نمی توان به بهانه پاکی باطن، ظاهر خویش را مناسب با ارزش های پذیرفته شده قرار نداد.

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۳۸ می فرماید: «رنگ خدایی؛ و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! ما تنها او را عبادت می کنیم»

از این آیه استفاده می شود که دانشجوی مسلمان علاوه بر معرفت باطنی باید گفتار و رفتارش، نوع پوشش و ظاهرش، باید رنگ خدایی داشته باشد و متناسب با دستورات دین باشد. دین همان فطرت الهی است که ذات انسان است و دستورات دین برای پاسخ گویی صحیح و مناسب به این فطرت و نیاز انسانی است. مخالفت

با دستورات دین در حقیقت مخالفت با حقیقت و فطرت خویشتن است.

رعایت ادب و احترام نسبت به استاد

دانشجو در مرحله اول باید در انتخاب استاد دقت لازم را داشته باشد، چون تحت تاثیر خصوصیات اخلاقی و روش استاد قرار می‌گیرد. از امام باقر علیه السلام در باره تفسیر آیه ۲۴ سوره عبس «انسان باید به غذای خویش بنگرد» سؤال شد که منظور از نظر در غذا چیست؟ فرمود: علمش را از کجا کسب می‌کند. (اسدی گرمارودی، ۱۳۷۴: ۱۶۳)

در مرحله بعد، قدر دانی، عیب پوشی بجا، ادب و احترام در پیشگاه استاد داشته باشد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «حق کسی که دانایی تو را تدبیر می‌کند، آن است که او را بزرگ بشماری، محضرش را گرامی بداری، به خوبی سخنش را گوش فرادهی و متوجه او باشی. صدایت را از او بلندتر نکنی، اگر از استاد سؤال شد تو پاسخ نده، در محضر استاد با کسی سخن مگو و از کسی بدگویی مکن، هر گاه در باره او سخن ناروا شنیدی، آن را دفع کن، عیب‌های او را بپوش و فضیلت‌های وی را آشکار کن، با دشمن و بد خواه او همنشین نباش و با دوست او دشمنی نکن؛ اگر چنین رفتار کنی فرشتگان گواهی می‌دهند که برای رضای خدا از استاد دانش فراگرفته ای.» (اسدی گرمارودی، ۱۳۷۴: ۱۶۳)

تلاش برای احیای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگ الهی است و از وظایف انسانی است. نباید نسبت به رفتار دیگران بی تفاوت بود، باید سعی کرد که خطاکار را از کار زشت باز داشت. در این باره، رعایت کرامت انسان و حفظ عرض و آبروی او امری ضروری و لازم است. دانشجوی فردی آگاه، فرهیخته و ناظری تیزبین و هوشیار است؛ لذا تلاش می‌کند که از ارزش‌های دانشجویی در محیط دانشگاه دفاع کند و در محیط اجتماعی به دنبال حق و توصیه به صبر باشد. سفارش به حق، شامل فکر حق، حرف حق، قانون حق، رهبر حق و حکومت حق می‌شود. باید هر روز معروف‌ها را گسترش دهد و از مفاسد و منکرها جلوگیری کند. (قرائتی، ۱۳۷۶: ۲)

این فریضه، بین دانشجویان چنان عمل شود که نگاه آنان کنترل کننده باشد، و اصلاح فکر، گفتار و رفتار را ایجاد نماید.

یکی از مصداق‌های امر به معروف، شناخت فلسفه حریم بین پسر و دختر و تلاش برای ارائه رفتار مطلوب در محیط دانشگاه و محیط اجتماعی است. تدبیر ظریفانه خلقت غیرت را برای مرد و حیای بیشتر را برای زن قرار داده تا تعادل بین آن‌ها برقرار نماید. مفهوم غیرت که از ویژگی‌های فطری مرد است، باعث حفظ و حراست همه جانبه از زن، بویژه حفظ ارزش وجودی اوست. (سادات، ۱۳۷۸: ۱۶۴) حریم حیا، عفاف و

پاکدامنی بهترین وسیله برای حفظ موقعیت و سرمایه‌های باطنی زن در برابر مرد است. اگر دختران جوان برای به دست آوردن موقعیت برتر خویش در برابر مرد، حریم شکنی کنند، خویش را در نقطه مقابل تدبیر ظریفانه آفرینش، قرار می‌دهند.

--تدبیر و سیاست

یکی از وظایف دانشجو کندوکاو و بحث علمی درباره پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است. اگر بحث‌های علمی درباره موضوع‌های سیاسی در دانشگاه نباشد و یا محدود گردد، به دست آوردن آگاهی سیاسی به خارج از محیط دانشگاه کشیده خواهد شد که به طور معمول غیر علمی خواهد بود و دانشجو در آن رشدی نخواهد داشت. وجود بحث و مناظره علمی، تحت هدایت و نظارت استادان خبره هم به شکل گیری صحیح فعالیت‌های دانشجویی کمک می‌کند و هم نیاز دانشجویان به صورت نظام مند و صحیح پاسخ داده می‌شود. فرهنگ بحث و گفتگو، دانشجو را علاوه بر تحصیل در ابعاد دیگر نیز رشد می‌دهد و ضمن آشنا کردن وی با زندگی اجتماعی و واقعیت‌های نهفته در آن، احساس مسئولیت پذیری را نیز در او تقویت می‌کند. در این زمینه به چند شاخص اشاره می‌شود. (شورای عالی جوانان، ۱۳۷۴)

الف: بینش سیاسی

برای این شاخص سه نشانه ذکر می‌شود.

احساس سیاسی

این مفهوم شامل وظیفه شناسی، وفاداری و حس تعهدات شهروندی است. (علاقه بند، ۱۳۶۷: ۸۷) اهمیت داشتن مسائل سیاسی و پیگیری بودن این گونه مسائل به شکل علمی و منطقی از وظایف دانشجو است. بخشی از رکورد سیاسی از عملکرد برخی مسئولان ناشی می‌شود که معتقدند که دانشجو نباید وارد مسائل سیاسی شود و فعالیت‌های سیاسی دانشجویان را همچون زنگ خطری در جهت سست شدن پایه‌های مدیریت خود می‌پندارند.

درک و تحلیل سیاسی

توانایی ارتباط دادن مسائل سیاسی از نظر منطقی و علمی برای دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار است. روشمند بودن تحلیل مسائل سیاسی و پرهیز از هر گونه پیش داوری و برخوردهای صرفاً شعاری از جمله وظایف دانشجویان است و اگر دانشجو سطح توانایی خویش را در درک و تحلیل مسایل بالا نبرد، در مواجهه با دیگران دچار مشکل خواهد شد.

آگاهی بخش سیاسی

ارتقای دانش سیاسی دانشجویان، جدای از برنامه‌های آموزشی رایج هر رشته، به شکل فوق برنامه لازم است. گرچه نظام آموزشی ملزم نیست برنامه‌های سیاسی خاصی را ارائه کند، ولی دانشجویان می‌توانند از راه‌های گوناگون این آگاهی بخشی را انجام دهند. برپایی جلسات و بحث‌های سیاسی، ارائه نشریات و جزوات در زمینه‌های مختلف سیاسی، عضویت در گروه یا تشکل سیاسی دانشجویی، برپایی جلسات پرسش و پاسخ و جهت دار نمودن فعالیت‌های فوق برنامه، از جمله فعالیت‌هایی است که می‌تواند در ارتقای دانش سیاسی دانشجویان موثر باشد. دانشجویان با درک و تحلیل علمی مسایل سیاسی، می‌توانند آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم را ارتقاء بخشند.

ب: تکلیف شناسی

برای این شاخص به چند مورد نشانه اشاره می‌شود.

زمان شناسی

آگاهی از وقایع و جریان‌های سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی و درک حساسیت مسائل سیاسی مختلف در زمان‌های خاص آن‌ها و حضور به موقع و موضع‌گیری معقول و منطقی متناسب با آن، از جمله ویژگی‌های دانشجویان است. دانشجویان باید زیرک و هوشیار باشند و از مسائل مختلف ملی و بین‌المللی آگاهی دقیق داشته باشند؛ زیرا هدف از فعالیت سیاسی آشنایی و مشارکت در جریان‌های دینی، ملی و بین‌المللی است.

تقویت روحیه آزادگی

روحیه آزادگی، حقیقتی است که در سایه عبودیت پروردگار حاصل می‌شود و هر گونه ستمگری را در روابط متقابل انسانی نفی می‌کند. بندگی خداوند عقل انسان را آزاد نموده و فطرت وی را به سوی شکوفایی سوق می‌دهد و به دانشجویان این امکان را می‌دهد که در برخورد با مسائل سیاسی خواهش‌ها و تمایلات نفسانی پیروی نکرده و در تمامی مسایل عدالت و رضایت الهی را مد نظر قرار دهد. در این صورت وی می‌تواند بهتر تکلیف را شناسایی نموده و در صحنه‌های مختلف به شکل معقول و منطقی، به تکلیف خویش عمل نماید.

ج: دشمن شناسی

برای این شاخص به چند مورد نشانه‌گر اشاره می‌شود.

هوشیاری و شناخت سیاست‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی

با توجه به پیچیدن شدن روز افزون سیاست‌ها در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ هوشیاری افراد تحصیل کرده دانشگاهی باید از پیش باشد. دانشجویان با بالا بردن توانایی‌های علمی و ارتقای

دانش سیاسی خویش، در شناخت دقیق و صحیح این گونه سیاست‌ها و حضور به موقع و مبارزه دائمی با دشمنی‌ها، آماده و پیشگام است.

تلاش جهت آمادگی روحی و علمی

دانشجو به عنوان پیشگام عرصه‌های علمی و فرهنگی نه تنها باید شناخت و هوشیاری لازم را داشته باشد، بلکه باید خود را به ابزارهای لازم از نظر روحی و علمی مسلح نماید تا در هر عرصه به تناسب، ابزار لازم جهت مقابله را داشته باشد.

د: مشارکت سیاسی

برای این شاخص به چند مورد نشانه اشاره می‌شود.

احساس تعهد انسانی در قبال سرنوشت مردم

دانشجو سرنوشت دیگران را سرنوشت خویش می‌داند. او که سر تعظیم در مقابل حضرت حق فرود می‌آورد و همه نعمت‌ها و استعدادها را متعلق به او می‌داند، دچار غرور نمی‌شود. لذا هر چه معرفت و علم وی افزون می‌شود، سرنوشت دیگران را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و خدمت بی منت به آنان را از روی اخلاص به جهت رضای خداوند متعال الگوی خویش قرار داده و مسئولیت‌پذیری و پیشگامی در انجام وظایف اجتماعی را سر لوحه برنامه خویش می‌داند.

ترجیح مصالح ملی

دانشجو چون خود را در مقابل سایر بندگان خدا مسئول می‌بیند، در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی منافع شخصی، محلی یا جناحی را بر مصالح ملی و منافع کلی جامعه اسلامی مقدم نمی‌دارد.

پرهیز از بی تفاوتی و عافیت طلبی

دانشجو که باید پیشگام عرصه‌های مختلف اجتماعی باشد، اگر مشغول زندگی روزمره شد و چنان در این روزمرگی غرق شد که از مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی غافل گشت، دیگران که منتظر فرصت هستند، صحنه‌های سیاسی را به نفع خود اشغال خواهند کرد. اقشار مختلف جامعه نیز در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی خود به فرهیختگان جامعه می‌نگرند؛ چنانچه این گروه نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی بی‌اعتنایی کنند، بعید نیست که مردم جامعه نیز بتدریج بی‌اعتنا گردند.

پس از بیان ابعاد و شاخص‌های هویت دانشجویی، نقش دانشگاه را در شکل‌گیری این هویت به اختصار

بیان می‌کنیم .

دانشگاه و شکل‌گیری هویت دانشجویی

یادگیری نقش‌ها و هنجارهایی که نقش‌ها را تعریف می‌کنند از طریق اجتماعی شدن، انجام می‌شود. اجتماعی شدن این گونه تعریف شده است: جریانی که به برکت آن انسان در طول حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی- فرهنگی محیط خود را فرا می‌گیرد و درونی می‌سازد و با ساخت شخصیت خود تحت تاثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنا دار یگانه می‌سازد و تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست نماید، تطبیق دهد. در این تعریف سه وجه اساسی اجتماعی شدن مطرح است: (۱) اخذ فرهنگ؛ اجتماعی شدن روند اخذ ارزش‌ها، شیوه‌های عمل، تفکر و احساس خاص گروه‌ها است. دانشجو از این جهت، دوره اجتماعی شدن فشرده‌ای را تجربه می‌کند. (۲) یگانگی فرهنگ و شخصیت؛ به دنبال اجتماعی شدن، عناصر جامعه و فرهنگ، جزء مکمل ساخت شخصیت روانی می‌گردد، تا آنجا که این دوره از عناصر اصلی، بخشی از محتوای اساسی ساخت شخصیت می‌شوند. البته دانستن این که تا چه حد فرهنگ و نظام اجتماعی با شخصیت یگانگی می‌یابند، ممکن نیست. به علاوه میزان آن در افراد متفاوت است. (۳) تطابق با محیط اجتماعی؛ فرد اجتماعی شده به محیط تعلق دارد، او متعلق به خانواده، گروه، موسسه تولیدی، مذهب و ملت است. بدان معنا که جزیی از آن هاست و در آن‌ها جای دارد. این تعلق بدان جهت است که با دیگر افراد این اجتماعات وجوه مشترک متعددی دارد تا بتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. البته منظور از شباهت، جسمانی نیست، گرچه این امر در پاره‌ای مواقع صدق می‌کند، آنچه در این رابطه مهم است، شباهت فکری درونی است. تعلق به یک اجتماع به معنی اشتراک در عقاید، ویژگی‌های مشترک است تا خود را در ما باز شناسیم (ما دانشگاهی‌ها). همانندی با این ما هست که امکان می‌دهد تا حدی هویت خاص روانی و جمعی خود را بیابیم. (روشه، ۱۳۶۷: ۱۴۸)

الگوهای فرهنگی بنیانی از سوی سازمانی مانند دانشگاه باید طوری ارائه شود که دانشجو در پاسخ، آن‌ها را درونی کند، زیرا جزء مهم در درونی کردن قابل قبول بودن الگو است. اما اگر صرفاً دانشجو وادار به متابعت شود، کمترین تأثیر را بر رفتار دانشجو خواهد داشت.

پاسخ دانشجو به جامعه پذیری دانشگاه

بر اساس نظر الیوت ارنسون، دانشجو در پاسخ به روند جامعه پذیری در دانشگاه به یکی از سه روش پاسخ خواهد داد: متابعت، همانند سازی و درونی کردن. (ارنسون، ۱۳۷۰: ۳۸)

متابعت

این اصطلاح به بهترین وجه رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه برانگیخته شده باشد. معمولاً این رفتار تا هنگامی دوام دارد که وعده پاداش یا تهدید و تنبیه، موجود باشد. متابعت ناپایدار ترین سطح نفوذ اجتماعی است و کمترین تاثیر را بر رفتار فرد دارد، زیرا متابعت کننده از جبری که شرایط خاص ایجاد می‌کند، آگاه است و می‌تواند در غیاب این شرایط رفتار خود را به آسانی تغییر دهد. بنابراین پاداش و تنبیه، و مسائل خیلی مهمی برای یاد دادن اعمال ویژه به مردمند، اما به عنوان فنون نفوذ اجتماعی بسیار محدودند، چه اثر بخشی آن‌ها، منوط به وجود مداوم آن‌هاست. مگر این که فرد دلیل دیگری برای ادامه رفتار پاداش دیده، کشف کند. در متابعت جزء مهم قدرت است. قدرت کسی که می‌تواند متابعت را پاداش دهد یا سرپیچی را تنبیه کند.

همانند سازی

این پاسخ مبنی بر آرزوی شخص برای همانند شدن با شخصیت صاحب نفوذ است. در همانند سازی هم مانند متابعت، رفتار فرد ناشی از رضایت درونی نیست، بلکه به این منظور است که برای وی رابطه ای رضایت بخش با شخص یا اشخاص که مایل است با آن‌ها همانند شود، ایجاد می‌کند. تفاوت همانند سازی با متابعت در این است که در همانند سازی فرد به عقاید و ارزش‌هایی که اختیار کرده است، اعتقاد پیدا می‌کند، هر چند این اعتقاد خیلی استوار و پابرجا نیست. پاداش و تنبیه برای همانند سازی ضرورت نیست... آنچه ضرورت دارد تمایل و آرزوی فرد برای همانند شدن با آن شخص است. اگر شخص عقیده ای را بر اساس همانند سازی اختیار کرده باشد و بعداً شخص متخصص و قابل اعتماد، دلایلی مخالف آن عقیده را عرضه کند، احتمالاً شخص عقیده خود را تغییر خواهد داد. در همانند سازی جزء مهم جاذبه و کشش است، جاذبه شخص یا گروهی که فرد خود را با آن همانند می‌کند.

درونی کردن

درونی کردن یک ارزش یا یک اعتقاد، عمیق ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. انگیزه درونی کردن، اعتقاد خاص مبتنی بر این تمایل است که می‌خواهیم رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد. بنابراین قبول آن اعتقاد، پاداشی درونی دارد. اگر شخص صاحب نفوذی مورد اعتماد ما باشد و قضاوتش را معتبر بدانیم، عقیده ای را که وی از آن جانبداری می‌کند، می‌پذیریم و با نظام ارزش‌های خود ادغام می‌کنیم. اما پس از این که این عقیده در سلک نظام عقیدتی خود ما درآید، از منبع خود مستقل می‌شود و در مقابل تغییر به سختی مقاومت می‌کند. در درونی کردن جزء مهم قابلیت قبول است، قابلیت قبول شخص که اطلاعات را

فراهم می‌کند. از طرفی سیاست‌گذاری کلان جامعه (که دانشگاه نیز بخشی از آن است)، باید طوری باشد که دانشگاه‌ها در مسیر اهداف جامعه قرار گیرند و حداکثر بهره را از توان و تجربه علمی و نیروهای پرورش یافته در آن داشته باشند.

حال اگر سازمان اجتماعی- به تعبیر مرتن - کارا (فونکسیونل) نبود کارکرد نامناسب یک ساخت، تاثیر بیمارگونه ای بر نظام خواهد داشت؛ تاثیری که به جای بهبود بخشیدن به تضعیف وحدت و انسجام نظام منجر می‌شود. به همین دلیل است که در حالت نهادهای ناکامل بازیگران اجتماعی ممکن است این احساس را که در تله افتاده باشند، پیدا کنند. این وضعیت از ویژگی‌های فرآیند تحصیلی است. اگر دانشگاه در مراحل جامعه‌پذیری وضعیت قابل قبولی را ارائه نکند و فقط در سطح متابعت دانشجویان باقی بماند و یا این که بین ارزش‌های دینی و مسائل علمی القای تعارض کند و یا قوانین حاکم از کارآمدی کافی برخوردار نباشند، برای دانشجویان احساس عدم رضایت حاصل خواهد شد. در همین جاست که باید سرچشمه ناخرسندی ژرف و پندارهای موهوم و این احساس که نهادهایی چون دانشگاه که داعیه اش تولید و انتقال دانش است، در واقع یک کارکرد پنهان و فریبندگی دارند، جستجو شود. تصورات پیشین از نقش، برای بخش فزاینده ای از بازیگران امروز دشوار تر و نامطمئن تر از سال‌های پیش است. نظام تقسیم کار پیچیده تر شده است، سطح استخدام اجتماعی دانشجویان و با آن کارایی آموزش حرفه ای دانشجویان توسط خانواده اش تضعیف شده است، در نتیجه دانشجویان به طور متوسط بینش جزئی تری از جهان نقش‌های شغلی اجتماعی دارد.

هر چه پیچیدگی و تنوع حیات اجتماعی و اقتصادی افزوده می‌شود، نیاز به تحصیل در دانشگاه‌ها به عنوان مدخل جامعه بزرگ و طول مدت تحصیل رسمی و انواع مدارج آن، افزایش می‌یابد و فرد دوران جوانی را در این نظام می‌گذراند و ناگزیر از جامعه بزرگ کم و بیش دور می‌ماند و در مقام دانشجویی، جامعه از او ایفای نقش‌هایی را توقع دارد که گاه با آنچه واقعا قادر به انجام آن بوده است یا سابقه رشد جسمانی و هوش و شخصیت خود مایل به انجام آن است، مغایرت دارد. همین امر تضادهای میان نسل جوان و بزرگسالان را که در جهان کنونی به مسئله جوانان یا بحران جوانی تعبیر می‌شود، موجب می‌گردد. تاثیر نظام آموزشی در رفتار و شخصیت فرد به همراه یادگیری‌های او در خانواده و در گروه‌های همسالان و وسائل ارتباط جمعی رفته رفته در افراد هر جامعه زمینه ذهنی خاصی به وجود می‌آورد که تا حدی میان آن‌ها مشترک است و در زبان روان‌شناسی اجتماعی شخصیت پایه یا ساخت اساسی شخصیت نامیده می‌شود.

به طور کلی در رابطه با دانشجویان و دانشگاه می‌توان چنین بیان نمود، مطالعه فرد به عنوان فرد و بدون توجه به مناسبات واقعی او با اشخاص دیگر و ساخت و کارکرد دانشگاهی که در آن عضویت دارد، مطالعه ای انتزاعی و در نتیجه غیر عملی خواهد بود و چنانچه مطالعه دانشگاه بدون توجه به شخصیت و رفتارهای افرادی که آن را تشکیل داده یا می‌دهند و بدون توجه به واکنش‌های آگاهانه و هوشمندانه و ارادی آنان در

برابر الگوها و مقررات اجتماعی، دور از واقعیت و مغایر با بینش علمی است. هر چند آموزش اجتماعی و فرهنگ پذیری در تکوین نفسانیات و شخصیت فرد اثر بارزی دارد، اما این فرایند نه تحمیلی و اجباری است و نه نتیجه تلقین و تقلید کورکورانه و بی هدف است، بلکه انطباقی کاملاً هدفدار و غالباً آگاهانه است. در روند اجتماعی شدن نمادها، بویژه زبان نقش بسزایی دارند و در حقیقت برخی نمادها بیانگر هویت برخی گروه هاست و افراد جامعه در کنش متقابل خویش هویت صنفی فرد را از طریق این نماد تشخیص داده و متناسب با آن کنش انجام می‌دهند.

جمع بندی و نتیجه گیری

موضوع تحقیق هویت صنفی دانشجو است. انسان سه گونه هویت دارد: هویت شخصی، صنفی و باطنی. هویت صنفی، هویت شغلی و اجتماعی است و نشان دهنده شخصیت فکری و شأن انسان در ابعاد مختلف اجتماعی است. با آگاهی از این هویت انسان می‌تواند منشأ فکر و رفتار دانشجو را بشناسد. این هویت، در دو مفهوم، هویت اجتماعی بالقوه (آنچه که یک شخص باید باشد) و هویت اجتماعی بالفعل (آنچه که یک شخص واقعا هست)، به کار می‌رود. در این تحقیق هویت بالقوه دانشجو یا همان هویت مورد انتظار بررسی شد. یک سؤال اساسی در این تحقیق این بود که خصلت‌ها و الگوهای رفتاری هویت دانشجویی در جامعه ما کدام است؟ در پاسخ به این سؤال سه بعد کلی مطرح شد که هر کدام، شاخص‌ها و نشانه‌های خاصی دارند: علم و معرفت (معرفت دینی، تفکر و شکوفایی روحیه حقیقت‌جویی، فرهنگ مطالعه، ارتقای معرفت و نو خواهی علمی)، اخلاق و معنویت (خودسازی معنوی، انتخاب الگو، رعایت آداب معاشرت)، تدبیر و سیاست (بینش سیاسی، تکلیف شناسی، دشمن شناسی، مشارکت سیاسی).

سؤال دیگر این بود که دانشجو و دانشگاه تا چه اندازه می‌توانند در تحقق ابعاد و شاخص‌ها نقش داشته باشند؟ در پاسخ به این پرسش این گونه مطرح شد که در جستجوی شکل‌گیری هویت دانشجویی دو بینش وجود دارد، جبرگرایانه و کنش‌گرایانه. الگوی کنونی دانشگاه کنش متقابل است. دانشجو اگر چه تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی ساختار دانشگاه است، ولی می‌تواند نقش خود را با علاقه و اشتیاق یا تنفر و اکراه ایفا کند؛ به نقش خود ایمان داشته باشد یا با فاصله آن را ادامه دهد و یا به طور ناگهانی صحنه را ترک گوید. دانشگاه از طریق جامعه‌پذیری الگوهای مورد انتظار را منتقل می‌کند. پاسخ دانشجویان به دانشگاه برای اجرای نقش‌های مورد انتظار ممکن است متابعت، همانند سازی و یا درونی کردن باشد. متابعت ضعیف‌ترین و درونی کردن قوی‌ترین سطح جامعه‌پذیری است. لذا الگوهای علمی و فرهنگی بنیانی که از سوی دانشگاه ارائه می‌شود، باید طوری باشد که دانشجو آن‌ها را پذیرفته و درونی کند. زیرا جزء مهم در درونی کردن، قابل قبول بودن الگو است. اما اگر صرفاً دانشجو و ادار به متابعت شود، کمترین تأثیر را بر رفتار دانشجو خواهد داشت.

در پایان پیشنهاد می‌شود این موضوع در دانشگاه‌های مختلف به صورت میدانی پژوهش شود تا هم بر غنای نظری افزوده شده و هم واقعیت‌ها آن طور که هست، به دست آید. در این صورت نقاط مثبت و منفی با استدلال علمی بیان شده و راه درمان، درست ارائه می‌شود و سرمایه‌ها بهینه هزینه خواهد شد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ارنسون، الیوت، روان‌شناسی اجتماعی، حسین شکرکن، ۱۳۷۰، انتشارات رشد
- اسدی گرمارودی، محمد، درس‌هایی از تربیت انسانی، ۱۳۷۴، مرکز فرهنگی رجا بودن، ریمون، منطق اجتماعی، عبدالحسین نیک‌گهر، ۱۳۷۰، انتشارات جاویدان حکیمی، محمد رضا، هویت صنفی روحانی، ۱۳۶۱، دفتر انتشارات اسلامی دشتی، محمد، نهج البلاغه، ۱۳۸۹، چاپ و نشر قدسیان
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، ۱۳۶۳، انتشارات سلمان فارسی
- روشه، گی، کنش اجتماعی، هما زنجانی زاده، ۱۳۶۷، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- ریتزر، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، ۱۳۷۴، انتشارات علمی
- سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، ۱۳۶۸، انتشارات سمت
- سادات، محمد علی، راهنمای همسران جوان، ۱۳۷۸، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- شریعتمداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، ۱۳۶۹، انتشارات دانشگاه تهران
- شورای عالی جوانان، اهداف تفصیلی و منشور تربیتی نسل جوان، ۱۳۷۴، دبیرخانه شورای عالی جوانان
- علاقه‌بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۳۶۷، انتشارات فروردین
- کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، غلام عباس توسلی، ۱۳۷۸، انتشارات سمت
- مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (مجموعه کامل)، انتشارات صدرا